



تقدیم به:

آخرین ذخیره از سلالة
پاکان، همو که ظهورش
پیام آور عزت و ارجمندی
برای مؤمنان و ذلت و
خواری برای مستکبران
و دشمنان است.

اخوی، رضا، ۱۳۵۶..

مدیریت نگاه / رضا اخوی. - قم، بهار دلها، ۱۳۹۰.

ISBN: 978 - 600 - 90889 - 5 - 9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص ۶۸.

۱. نگاه. ۲. مدیریت. الف. عنوان.

مدیریت نگاه

نویسنده: رضا اخوی

صفحه آرا: حسین نرگسی

ناشر: بهار دلها

چاپ: یاران

شمارگان: ۵۰۰۰

نوبت: اول / ۱۳۹۰

قیمت: ۶۰۰ تومان

۰۲۵۱ - ۷۷۴۶۳۵۳

۰۲۵۱ - ۷۷۴۷۴۲۸ - ۰۹۱۲۲۵۲۰۲۵۰

* تمامی حقوق © برای ناشر محفوظ است *

فهرست

پیشگفتار ۷

فصل اول: اهمیت نگاه

جایگاه چشم ۹

حقوق چشم ۱۰

فصل دوم: انواع نگاه

الف - نگاه عبادت ۱۳

ب - نگاه عبرت ۱۶

ج - نگاه حسرت ۱۹

د - نگاه شهوت ۲۰

فصل سوم: رابطه نگاه و گناه

علت نگاه انسان ۲۱

تبیین رابطه نگاه و گناه ۲۲

علاج قبل از واقعه ۲۵

سه داستان عبرت آموز ۲۷

فصل چهارم: پیامدهای منفی چشم چرانی

۱. بدنمایی بین مردم ۳۳

۲. دچار شدن به حسرت و اندوه ۳۳

۳. کاشته شدن بذر شهوت ۳۴

۴. ابتلا به بیماری‌های روانی ۳۶

۵. عذاب اخروی ۳۷

فصل پنجم: داستان‌هایی از نگاه

۳۹	اعدام دو قاضی.....
۴۲	سید علی و جوان متدین.....
۴۶	چشم‌چرانی امیر فیل.....
۴۸	کشته شدن چشم‌چران.....
۵۰	ناکامی و انتقام.....

فصل ششم: راهکارهای کنترل چشم و نگاه

۵۳	الف - غض بصر (فروخواندن چشم).....
۵۵	ب - توجه به آثار مثبت کنترل نگاه.....
۵۷	ج - توجه به سنت الهی.....
۵۹	د - توجه به حضور خداوند.....
۶۰	هـ - نظم و برنامه‌ریزی.....
۶۱	و - کنترل و مبارزه با زمینه‌های چشم‌چرانی.....
۶۳	کتابنامه.....

پیشگفتار

یکی از اصلی‌ترین عوامل شکست و خواری انسان در طول تاریخ، پیروی از هواهای نفسانی بوده که انسان‌های بسیاری را به دام خود افکنده و از اوج عزت و کمال به حضيض ذلت کشانده است. ارتکاب گناه و تمایل به بی‌عفتی، بسیاری از وقایع تاریخی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

بسیاری از حاکمان و شاهان به ظاهر قدرتمندی بودند که ممالک و کشورهای بسیاری را تحت سیطره و حکومت خود داشتند؛ ولی آن هنگام که پای شهوت و غلبه بر خواهش دل به میان می‌آمد، به آسان‌ترین تصور ممکن، اسیر نفس خود می‌شدند.

به همین دلیل در آموزه‌های آسمانی و حیات‌بخش اسلام، توجه ویژه‌ای به بحث عفت و نقطه مقابل آن، یعنی بی‌عفتی شهوانی و مسائل مرتبط به آن (همچون: نگاه، عفت، غیرت، حفاظت از نسل و ناموس و...) شده است.

اسلام خواستار عزتمندی، تکامل و پیشرفت بشر است و انسان را از فرو رفتن در مسائل پست و حقیر و منجلاب فساد و فحشا برحذر می‌دارد؛ از این رو خداوند با توجه به احاطه و شناختی که نسبت به روحیات و افکار نوع بشر دارد و ضعف و سستی او را در این زمینه می‌داند، هر چیزی را که شروعی برای بی‌عفتی و استفاده نابجا از این نیرو باشد (همانند نگاه‌های آلوده) به جهت پیشگیری از بروز گناه و فساد، منع و تحریم فرموده است.

فصل اول: اهمیت نگاه

جایگاه چشم

ارزش، اهمیت و جایگاه چشم بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از انتخاب‌ها و مسائل زندگی، به نگاه‌های ما بستگی دارد؛ انتخاب همسر، شغل، خانه، دوست و صدها موضوع دیگر، همه با نگاه و چشم ما پیوند و ارتباطی ناگسستنی دارد و می‌توان ادعا کرد که نگاه و چشم در زندگی، نقشی اساسی ایفا می‌کنند و از مهم‌ترین عناصر مؤثر در تصمیم‌گیری انسان به‌شمار می‌آیند، همچنین منشأ و ریشه بسیاری از نفرت‌ها و محبت‌هایی است که انسان از طریق چشم، به ذهن و فکر خود وارد نموده، بر همان مبنا تصمیم‌گیری می‌کند، سپس به واکنش‌های مثبت یا منفی اقدام می‌نماید.

چشم، یکی از مهم‌ترین کانال‌های ورود علم، تجربه، معلومات، لذات و تصاویر گوناگون است؛ به گونه‌ای که گفته شده است: «هفتاد و پنج درصد معلومات انسان از طریق چشم به دست می‌آید.»

این چشم است که ضمن زیبایی بخشیدن به صورت انسان، بدون هیچ گونه هزینه مادی، انواع عکس‌ها را به ذهن منتقل می‌کند. همین چشم است که رنگ‌ها و مناظر زیبا را به ذهن منتقل می‌کند و شادی و انبساط خاطر انسان را فراهم می‌آورد.

قدرت تأثیر گذاری این دستگاه کوچک، ظریف، دقیق و مجهز - که خداوند در وجود انسان قرار داده - به گونه‌ای است که انسان را در دو راهی

از سوی دیگر، خداوند به انسان، قدرت و اختیاری عطا کرده است که می‌تواند از همین نیروی شهوت - که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین لغزش‌گاه او است - به سلامت بیرون آید و ضمن برخوردار شدن از آثار و برکات عفت‌ورزی در دنیا (همانند سلامت نسل و ناموس) از رهگذر مبارزه با هواهای نفسانی و امیال شیطانی، زمینه نزول رحمت الهی را فراهم آورده، به بالاترین درجه کمال و معنویت برسد.

نکته قابل تأمل این است که در عصر ارتباطات و در فضای رسانه‌ای امروز که زمینه گناه و آلودگی به صورت گسترده‌ای فراهم است، داشتن جامعه‌ای عفت‌مدار، نیازمند بسترسازی‌های فراوان مذهبی، علمی، فرهنگی و خانوادگی است.

در عصری که دشمن تلاش می‌کند به هر طریق ممکن، فکر و ذهن بشر را در اختیار گرفته، با وعده‌های رنگین و تهی از حقیقت، آنان را از فضای ایمان و دینداری و نیز فضائل و سجایای اخلاقی باز دارد، تلاش در جهت ارتقای عفت و پیشگیری از شیوع منکرات، تلاشی شایسته و بایسته است که ضمن برکات سرشار معنوی، آثار مثبت آن به روشنی در قبال فرد، خانواده، اجتماع و سلامت نسل، آشکار خواهد گشت و انسان را به سر منزل کمال و عزت راهنمایی خواهد کرد.

آنچه پیش رو دارید، تحقیقی است دربارهٔ رابطه نگاه و گناه که با بهره‌مندی از معارف اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته شده است.

امید است که با پیروی از قرآن و روش ائمه طاهرين علیهم‌السلام از سلامتی و سربلندی در دو دنیا بهره‌مند گردیم. - إِنْ شَاءَ اللَّهُ -

قم: رضا اخوی، پاییز ۱۳۸۷

السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^۱؛ به درستی که گوش و چشم و دل، در مقابل آنچه می شنوند و می بینند و می اندیشند، مورد سؤال واقع خواهند شد و انسان باید در قبال آنها پاسخگو باشد.

امام زین العابدین علیه السلام در رساله حقوق خود چنین می فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَعْتَقِدَ (تَسْتَفِيدَ) بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْأَعْتِبَارِ^۲؛ و اما حق چشم بر تو آن است که آن را از هر ناروا پوشانی و با استفاده از چشم عبرت بیاموزی و از هرزه نگری و نگاه‌های بیهوده پرهیز کنی؛ زیرا به وسیله چشم یا باید بر دانش خود بیفزایی یا بینش خود را بالا ببری؛ چون چشم وسیله عبرت‌آموزی است.

سقوط و صعود قرار می‌دهد؛ چه بسا همین عضو کوچک، باعث عزت و رفعت یا ذلت و نکبت انسان شده، موجب سعادت یا شقاوت او گردد.

حقوق چشم

خداوند متعال در قبال نعمت‌هایی که در اختیار انسان قرار داده، حقوق و وظایفی را برای او مقرر کرده است تا انسان با رعایت آن نکات، به بهره‌برداری صحیح و معقولانه از آن نعمت‌ها بپردازد و از این رهگذر، سعادت دنیا و آخرت خود را فراهم آورد. یکی از آن نعمت‌ها، چشم است که در متون دینی، حقوقی برای آن ذکر شده و به انسان هشدار می‌دهد که او باید در روز قیامت پاسخگوی نگاه‌هایی باشد که در دنیا انجام داده است؛ از این رو، چشم یکی از شاهدانی است که در روز قیامت به چیزهایی که دیده است گواهی خواهد داد.

خداوند در قرآن کریم به شهادت چشم انسان اشاره کرده،

می‌فرماید:

﴿شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱

در روز قیامت، گوش و چشم‌ها و پوست‌های بدن شان به آنچه در دنیا انجام

داده‌اند گواهی می‌دهند.

خداوند ضمن سفارش و تأکید نسبت به ارزش و جایگاه مهم

چشم، به مسئولیت انسان در قبال آن اشاره کرده است و می‌فرماید: ﴿إِنَّ

۱. سوره فصلت، آیه ۲۰.

۱. سوره اسراء، آیه ۳۶.

۲. تحف العقول، ص ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱،

ص ۱۵۶.

فصل دوم: انواع نگاه

چشم، ظاهری کوچک و ظریف دارد؛ ولی همین عضو کوچک و حساس می‌تواند منشأ تحولات و عبرت آموزی در انسان شده، راه کمال و سعادت را به او بنمایاند یا او را به ورطه هلاکت و شقاوت بکشانند؛ پس این خود انسان است که با توجه به نوع نگاه و استفاده‌ای که از این نعمت خداوندی دارد، زمینه نیک بختی یا بدبختی را در دو جهان برای خود فراهم می‌آورد.

در این فصل به انواع نگاه‌هایی که می‌توان به وسیله چشم انجام داد، اشاره کرده و قابلیت‌های مثبت و منفی چشم را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

الف - نگاه عبادت

بعضی از نگاه‌ها عبادت است و برای آن، اجر و پاداش نیز در نظر گرفته شده است؛ از جمله:

نگاه به آیات قرآن

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«الْنَّظَرُ إِلَى الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ»^۱: نگاه کردن به قرآن، عبادت محسوب می‌شود.

نگاه به کعبه

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند:

«هرکس به کعبه نگاه کند، یک حسنه برای او نوشته و ده گناه از او پاک

می‌گردد.»^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۳. ۲. کافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

نگاه به چهره سادات

حسین بن خالد می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند: «نگاه کردن به چهره ذریه ما عبادت محسوب می‌شود.» عرض کردم: منظور شما، نگاه کردن به چهره پیشوایان و امامان از نسل شماست یا نگاه کردن به ساداتی که ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌آیند؟

حضرت فرمودند:

«بَلِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهَةً وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي»^۱؛ نگاه کردن به همه کسانی که از ذریه و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله هستند عبادت است، به شرطی که این ذریه از راه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله رویگردان نباشند و خود را به گناه و معصیت آلوده نسازند.

نگاه به مظاهر قدرت خداوند

نگریستن به چیزهایی که قدرت و عظمت پروردگار را در دل‌ها زنده می‌کند (مانند: طبیعت، کوه، دریا و...)، از جمله نگاه‌هایی است که عبادت به شمار می‌آیند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ: النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ فِي الْمُصْحَفِ وَ فِي الْبَحْرِ»^۲؛ نگریستن به سه چیز عبادت است: نگاه کردن به پدر و مادر، به قرآن کریم و نگاه کردن به دریا.

فناوی دنیا و مرگ انسان‌ها یکی از مظاهر قدرت خداوند است؛ از این رو نگاه به چیزی که ما را به یاد مرگ می‌اندازد و باعث هشجاری ما می‌گردد عبادت است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: «نگریستن به کعبه عبادت است.»^۱

نگاه به چهره پدر و مادر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ»^۲؛ نگاه کردن از روی مهر و محبت

به چهره پدر و مادر، عبادت به شمار می‌آید.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

«النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ»^۳؛ نگاه کردن به والدین، عبادت است.

نگاه به چهره عالم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«النَّظَرُ إِلَيَّ وَ جِهَةِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ»^۴؛ نگاه کردن از روی محبت به صورت

عالم و دانشمند دینی، عبادت است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «نگاه کردن به عالم نزد خداوند، از یک سال

اعتکاف در خانه خدا (کعبه) دوست داشتنی‌تر و محبوب‌تر است.»^۵

نگاه به چهره فرزند

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَلَدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ»^۶؛ نگاه محبت‌آمیز پدر و مادر به صورت

فرزندشان، عبادت است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۳.

۲. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۳۸۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۳.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۳.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۲. ۵. همان؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۵.

۶. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۱. ۲. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۲۸.

که سبب بروز این گونه مصائب و گرفتاری‌ها چیست و چه عواملی باعث گرفتاری و مصیبت زدگی آن مردم و دچار شدن به عذاب و عقاب الهی شده است؟!^۱

حضرت علی علیه السلام یکی از ویژگی‌های فرد مؤمن را نگاه عبرت‌بین او می‌داند که به دنیا و گرفتاری‌های آن، به دیده عبرت‌آموزی و بندپذیری می‌نگرد.

ایشان می‌فرمایند:

«إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْأَعْتَابِ»؛ همانا انسان با ایمان، با دیده عبرت به دنیا می‌نگرد.

همچنین می‌فرمایند: «گذر زمان و چرخش روزگار، عبرت‌های زیادی به انسان می‌آموزد».^۲

آن حضرت ضمن اشاره به سرگذشت کاخ نشینان و ثروتمندان و اقوام گوناگونی که هرکدام برای خود جاه و مقامی داشتند و برای حفظ قدرت و حکومت خود حاضر می‌شدند به هر کاری - حتی کشتن اولیا و انبیا - دست بزنند، می‌فرمایند: «ولی با این همه، عاقبت دست اجل و چنگال مرگ، آنها را در رُبود و برای دیگران مایه عبرت و پند شدند».^۳

مرگ، یکی از حوادث عبرت‌آموزی است که انسان همیشه با آن روبه‌رو می‌شود. انسان به‌طور دائم از مرگ دوستان، اقوام و خویشاوندان دور و نزدیک یا چهره‌های سرشناس علمی، فرهنگی،

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اگر انسان کفن خود را تهیه کند، هرگاه به آن نظر افکند به او اجر و پاداش داده می‌شود».^۱

نگاه به چهره برادر دینی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «نگاه کردن به چهره برادر دینی که به او در راه خدا محبت می‌ورزی، عبادت است».^۲

همچنین فرمودند: «نگاهی که فرد با ایمان از روی مهر و محبت به صورت برادر مؤمن خود می‌کند، عبادت است».^۳

نگاه به چهره پیشوای عادل

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «نگاه کردن به صورت پیشوای عادل، عبادت است».^۴

نگاه به چهره همسر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«نَظَرُ الْمَرْأَةِ إِلَى زَوْجِهَا عِبَادَةٌ»؛^۵ نگاه زن به همسرش عبادت است.

ب - نگاه عبرت

انسان در دنیا با حوادث و اتفاقات گوناگونی روبه‌رو می‌شود که بسیاری از آنها جنبه تذکر و یادآوری نعمت‌ها و دقت بیشتر در استفاده از فرصت‌ها است؛ به عنوان مثال، فردی که صحنه‌های دلخراش یک تصادف، زلزله، طوفان، سیل و ... را مشاهده می‌کند، به فکر فرو می‌رود

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۵۳؛ بحار، ج ۷۸، ص ۳۱۴.

۲. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۲۸۹. ۳. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۲.

۴. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۲۸۹. ۵. لنالی الأخبار، ج ۳، ص ۲۸۵.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۳۶۷.

۲. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۸۰. ۳. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۸۰۸.

تشییع جنازه خود تو است و این تو هستی که (درون تابوت خوابیده‌ای و مردم تو را روی دست‌ها با گفتن **اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ وَ لِيُّ اللَّهِ**) به سوی قبر و خانه ابدی می‌برند. وقتی از تشییع جنازه برمی‌گردی با خود فکر کن که از خداوند خواسته‌ای به تو مهلتی دوباره عطا کند تا گذشته خود را جبران کنی؛ حال نگاه کن که از این به بعد چگونه عمل می‌کنی.^۱

بر سنگ قبر پروین اعتصامی این شعر را - که سروده خود او است - حک کرده‌اند:

خاک در دیده بسی جانفرساست سنگ بر سینه بسی سنگین است
ببیند این بستر و عبرت گیرد هرکه را چشم حقیقت‌بین است
هرکه باشی و به هرجا برسی آخرین منزل هستی این است

بنابراین انسان باید به اتفاقات و حوادثی که پیرامون او رخ می‌دهد به دیده عبرت و پند آموزی بنگرد و با تجربه اندوزی از آنها برای سعادت دنیا و آخرت خود تلاش کند.

ج - نگاه حسرت

بسیاری از افراد هستند که به زندگی و وضعیت افراد ثروتمند، با حسرت می‌نگرند و از این که خود دارای چنین مقام، جمال و کمالی نیستند، حسرت می‌خورند و همین احساس کمبود و ناشکری آنان باعث می‌شود که قصد کنند به هر طریق ممکن امکانات مادی خود را بیشتر کنند و چه بسا در این راه از دین و آخرت خود بگذرند و زندگی

سیاسی، نظامی، ورزشی، هنری و ... با خبر می‌شود؛ ولی حتی به خود اجازه نمی‌دهد که فکر کند: شاید مرگ من هم نزدیک شده باشد و ممکن است دیر یا زود همین مراسم‌ها و مجلس‌ها برای من نیز برپا شود؛ زیرا زمان مرگ از مجهولاتی است که جز خداوند کسی از آن آگاهی ندارد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «چه بسیار کسانی که در آغاز روز بودند و به شامگاه نرسیدند و چه بسیار کسانی که در آغاز شب بر آنان حسد می‌بردند و در پایان شب، عزاداران به سوگشان نشستند.»^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خانه‌ای نیست مگر این که ملک الموت روزی پنج بار به آن سر می‌زند و اگر اهل آن خانه عمرشان به پایان رسیده باشد، جان آنها را قبض می‌کند.»

تا آنجا که می‌فرماید: «زمانی که میت را حمل می‌کنند، روح انسان بالای نعش خود در حرکت است و به آنان می‌گوید: «يَا أَهْلِي وَ يَا وُلْدِي لَا تَلْعَبَنَّ بِكُمْ أَلَدُنْيَا كَمَا لَعَبْتَ بِي»؛ ای اهل و عیال و فرزندان من! دنیا شما را نفریید، از حال من عبرت بگیرید که این همه زحمت کشیدم و حلال و حرام را مخلوط کردم و اکنون همه را گذاشتم و دست خالی می‌روم و خود را آماده مرگ نکرده بودم، پس شما به فکر آخرت خود باشید که مرگ ناگهان سر می‌رسد. «فَاخْذَرُوا مِنْ مِثْلِ مَا نَزَلَ»؛ از آنچه بر من وارد شده است عبرت بگیرید و از دل بستن به دنیا حذر کنید.^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی به تشییع جنازه‌ای رفتی، تصوّر کن که

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۳۸۰.

۲. سفینه البحار، ج ۹، ص ۴۶۱.

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۶.

فصل سوم: رابطه نگاه و گناه

علت نگاه انسان

تفاوت چهره، مو، آهنگ صدا، اندام، لباس و امتیازات ویژه هر فرد، مهم ترین عامل جلب توجه افراد و تمایز میان آنان است و همین امر سبب تنوع خواهی انسان و مقایسه میان اشخاص می گردد؛ از این رو در دستورات دینی وارد شده است فردی که قصد دارد با دختری ازدواج کند، غیر از مشاهده صورت (ظاهر)، از اندام و حتی موی او جستجو و پرسش کند؛ زیرا ممکن است در آینده با دیدن زنان دیگر و مقایسه بین آنها، اختلاف و دلسردی میان زن و شوهر به وجود آید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «زمانی که تصمیم داشتید با زنی ازدواج کنید سزاوار است چنان که از زیبایی سیمایش پرسش و تحقیق می کنید، درباره مویش نیز پرسید؛ زیرا اگر زن دو عنصر زیبایی داشته باشد، مو، یکی از آن دو عنصر مهم است.»^۱

به طور قطع می توان گفت که سهم زیادی از اختلاف ها، طلاق ها و دل سردی افراد به سبب توجه به همین تفاوت ها است. شاید مهم ترین علت لزوم پوشش زنان همین نکته باشد که برای مردان زمینه مقایسه میان زنان، کمتر پدید آید و هوس های خفته بیدار نگردد.

چند روزه دنیایی را فدای لذت و عیش اخروی نمایند و این نیست مگر به خاطر نوع نگاه شان به زندگی دیگران.

این نوع نگاه که در حس حقارت، حسادت، غرور و خودخواهی افراد ریشه دارد، به مرور زمان باعث ایجاد قساوت قلب می شود و انسان را از مسیر دین و دیانت جدا می سازد.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «از فرد عاقل تعجب می کنم که چرا به چیزی نظر می کند که نگاه کردن به آن، حسرت به دنبال خواهد داشت.»^۱

د - نگاه شهوت

این نگاه - که موضوع اصلی این نوشتار است - همان نگاهی است که انسان را به ورطه سقوط و نابودی می کشاند و تباهی دین و دنیا را برای او به ارمغان می آورد.

این نوع نگاه - که در عرف جامعه به آن چشم چرانی گفته می شود - پیامدهای منفی فراوان فردی، خانوادگی، اجتماعی و روانی به همراه دارد که در فصل های بعد درباره آن سخن خواهیم گفت.

۱. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۰۴۷.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۷.

تبیین رابطه نگاه و گناه

تبیین رابطه نگاه و گناه را با این پرسش بررسی می‌کنیم که چگونه ممکن است انسان با یک نگاه ساده و کم ارزش، به سوی گناه و معصیت کشیده شود و نگاه او باعث سقوط، هلاکت و گرایش او به سوی گناهان بزرگ‌تر باشد و دین و دنیای او در معرض فنا و نابودی قرار گیرد؟

در پاسخ باید گفت: آدمی موجودی لذت جو است و دوست دارد از همه حواس خود به نوعی لذت ببرد. حس بینایی، یکی از حواس بسیار مهمی است که منشأ بسیاری از لذت‌ها به شمار می‌آید. نگاه کردن هنگامی برای انسان منشأ لذت است که با تمرکز همراه باشد و ذهن را به خدمت بگیرد؛ در واقع فلسفه‌ی چشم چرانی جز این نیست که فرد با تمرکز هنگام نگاه و استخدام تخیلات، در دنیای خیال به هوسرانی می‌پردازد؛ در حقیقت آنچه نگاه را لذت آفرین می‌کند، تخیلاتی است که فرد در خود می‌پروراند.

فرد با مشاهده یک چهره زیبا برای آنکه نگاه خود را لذت انگیز کند اوهام لذت آوری در ذهن خود می‌آفریند و آنها را تقویت می‌کند. برای این کار (تقویت اوهام لذت آفرین) نخست نگاه خویش را تمرکز و استمرار می‌بخشد تا بتواند به مرحله تناوری (حالت تجسم) برسد.

پس از نگاه متمرکز به چهره زیبا، قوه لذت جوی آدمی در وجود او بیدار می‌شود و تصاویر ذهنی آن را بیشتر می‌کند و نوعی حسرت و عطش ویژه در جان فرد به حرکت درمی‌آید. آدمی در این مرحله از درون برای ارضای غریزه تحریک شده، به صحنه سازی ذهنی رو می‌آورد و

خیلی زود ویژگی‌های ظاهری فرد مورد نظر را در مغز می‌پروراند و تصویر کاملی از خصوصیات پیدا و ناپیدای او درست می‌کند و در عالم خیال به بهره‌وری جنسی می‌پردازد.^۱

پس منشأ رابطه نگاه و گناه به وجود رابطه‌ای وابسته است که بین نگاه و تخیل وجود دارد؛ زیرا نگاه و تخیل هرگز از یکدیگر جدا نیستند و اگر بیننده، پاک‌دامن و عفیف باشد و نگاه هوس آلود نکند، با این همه نمی‌تواند ذهن را از تخیل غیر ارادی رها سازد؛ جز اینکه تخیل فرد پاک‌دامن به آلودگی نمی‌انجامد و این امور را در ذهن خود نمی‌پروراند؛ ولی کسی که از تربیت دینی و انسانی فاصله گرفته است، با نگاه متمرکز به چهره زیبا و مناظر شهوت‌انگیز و اوج گرفتن اوهام غریزی و حالت تجسم در ذهن، ذهن او برای ارضای غریزه جنسی تحریک شده، به صحنه سازی می‌پردازد و فرد بیننده احساس می‌کند بی اختیار به سمت فرد مورد نظر در حال حرکت و نزدیک شدن است که این حالت نشان از تمایل به سرکشی و آلودگی دارد که بر اثر نگاه فرد پدید آمده است. پس از این تخیلات و اوهام، فرد، کنترل اراده و اختیار خود را از دست می‌دهد و به هر نحو ممکن می‌خواهد به آنچه در ذهن خود به تصویر کشیده است برسد و چه بسا در راه رسیدن به آن هدف، از ارتکاب گناه و معصیت نیز شرم نکند و دین و دنیای خود را فدای لذتی خیالی کند.

آنجا که شهوت خیمه زند جای عقل نیست

غوغا بود دو پادشاه اندر ولایتی

۱. جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان، ص ۱۱۲.

وانگه که شهوت دست به تجاوز دراز کند

معلوم شود که عقل ندارد کفایتی
امام صادق علیه السلام با اشاره به پیامدهای نگاه‌های آلوده و وجود ارتباط
بین نگاه و گناه می‌فرمودند:
«الْغَطْرُ بِرَيْدِ الزَّوْنِ»؛ نگاه، نامهرسان زنا است.

امیر کلام حضرت علی علیه السلام با اشاره به همین نکته
می‌فرماید: «الْعَيْنُ بِرَيْدِ الْقَلْبِ»؛^۱ چشم و نگاه، نامهرسان قلب است؛ یعنی
وقتی چشم چیزی را دید، مشاهداتش به وسیله اعصاب سمپاتیک و
پاراسمپاتیک به مغز مخابره می‌شود و در مغز نوعی تلاطم پدید می‌آید
و هورمون‌های محرک غریز به سراسر بدن گسیل می‌شوند و زمینه
انحراف و رفتارهای غیر عقیفانه را در فرد ایجاد می‌کنند.
حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «چشم، دیده بان عقل و جاسوس
دل است.»^۲

به گفته باباطاهر:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد ز نم بر دیده تا دل گردد آزاد
کور کردن چشم، هنر نیست؛ هنر آن است که دیده را با اراده‌ای قوی
و در پوشش ایمان و تقوا و توجه به پیامدهای منفی نگاه‌های
هوس‌آلود، از محرکات الهی باز داریم.

۱. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۲۸۸؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۸.

۲. همان.

علاج قبل از واقعه

به‌طور حتم، بسیاری از احکامی که در دین وارد شده، به منزله پیشگیری
و علاج قبل از واقعه است؛ یعنی از آنجا که خداوند به مصالح و مفاسد
وقایع آگاه است و از روحيات و خُلقیات بندگان خود اطلاع دارد و
می‌داند که بیشتر افراد در مقابل امیال نفسانی و قوای شهوانی تسلیم
شده، به زانو در خواهند آمد، بسیاری از امور و کارها را به صورت
تحذیر یا ارشاد به بندگان اعلام کرده است؛ به عنوان مثال، انسان را از
خلوت با نامحرم نهی می‌کند؛ زیرا در این نوع خلوت‌ها، غالباً
هوس‌های خفته بیدار شده، نفس، انسان را به سوی گناه و ناپاکی سوق
می‌دهد.

خلوت‌ها معیار خوبی برای سنجش ایمان افراد هستند؛ زیرا با این
فرض که جز فرد و خدای او، شخص دیگری در آن مکان حضور ملموس
ندارد، با این همه آیا فرد خود را به گناه و معصیت آلوده می‌سازد یا خیر؟
همچنین «خلوت» یکی از مکان‌هایی است که حضور و وسوسه
شیطان، پُررنگ تر احساس می‌شود و جالب این که شیطان نیز در
سفارش خود، انسان را از خلوت با زنان نامحرم نهی کرده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وقتی نوح علیه السلام قوم خود را نفرین کرد، ابلیس
(رئیس شیاطین) نزد او آمد و گفت: ای نوح! تو برگردن من حقی داری [به‌خاطر
نفرینی که در حق قوم خود کردی و آنان را به جهنم فرستادی و دیگر کسی نماند که
بر گمراه کردن او رنج برم]، من نیز می‌خواهم پاسخ این خوبی تو را با سه نصیحت
بدهم: ای نوح! مرا در سه جا یاد آور و حاضر بدان که در آن سه مورد، بیشتر از

همیشه به انسان نزدیکم: هنگام خشم و غضب، هنگام داوری و قضاوت بین دو نفر و هنگامی که با زن بیگانه‌ای خلوت کردی و هیچ‌کس با تو نیست.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «روزی حضرت موسی علیه السلام نشسته بود، ابلیس نزد او آمد و گفت: تو را به سه چیز سفارش می‌کنم: ای موسی! هیچ‌گاه با زنی که بر تو حلال نیست خلوت نکن؛ زیرا در این وقت است که خود من (ابلیس) همنشین شما می‌شوم و شما را با وسوسه خود به فساد و گناه می‌کشانم.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ ثَالِثَهُمَا شَيْطَانًا»؛^۳ هیچ‌گاه مرد و زن

نامحرمی با یکدیگر خلوت نمی‌کنند، جز این که شیطان سومین نفر آنها خواهد بود.

همچنین خداوند انسان را از تماس بدنی با نامحرم و نیز صحبت یا شوخی‌های بی‌مورد با جنس مخالف بر حذر می‌دارد؛ زیرا این گونه تماس‌ها، آتش شهوت را در خرمن وجود انسان شعله‌ور می‌سازد و این مقدمه‌ای برای فلاکت و هلاکت انسان خواهد شد.

در بحث نگاه نیز همین قاعده ساری و جاری است؛ یعنی خداوند می‌فرماید: بنده من! از نگاه‌های آلوده و از روی شهوت اجتناب کن؛ زیرا با انجام این عمل، به سوی گناهان دیگر متمایل می‌شوی و این زمینه‌ای برای بی‌عفتی و ناپاکی فرد، خانواده و اجتماع خواهد شد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۵. ۲. همان.

۳. همان.

سه داستان عبرت آموز

اکنون به چند داستان عبرت آموز در این زمینه اشاره می‌کنیم تا روشن گردد که بازگشت صلاح و منفعت اوامر و نواهی خداوند متعال به خود فرد، خانواده و اجتماع است.

لبخندی عامل قتل شد!

یکی از قضات کشور در کتاب خود نقل می‌کند: زمانی که در دادگستری انجام وظیفه می‌کردم، یکی از بازپرس‌ها به اتاق من آمد و گفت: چند روز قبل جسدی را زیر یکی از پل‌های جاده کاشان کشف کردم که قابل شناسایی نیست.

من نیز پس از عکس برداری، جریان را در روزنامه اعلام کردم و اجازه دفن او را صادر نمودم. سه روز بعد از انتشار این خبر در روزنامه، بستگان وی آمدند و بعد از نبش قبر جسد او را شناخته و جنازه اش را برای دفن به وطن خودشان - که یکی از روستاهای کاشان بود - منتقل کردند. بعد از تحقیقات مشخص شد که مقتول، کارگر یکی از کارخانه‌های قالی بافی بوده که به دسیسه همسرش به قتل رسیده است.

ماجرای این قرار بود که فرد مذکور (مقتول) برای نصب کولر، مرد برق‌کشی را - که همسایه او بود - به خانه می‌آورد، هنگام راه اندازی کولر همسر صاحب خانه به برق کش کمک می‌کند و در ضمن با هم گفتگو کرده، لبخند می‌زنند. از همین ارتباط جزئی کار به معاشقه و مراوده و انجام عمل منافی عفت منتهی می‌شود و برای این که از آزادی محض برخوردار شوند، شوهر خود را بارها با تحریکات و تشویقات فراوان به مسافرت و خارج از شهر می‌فرستند تا از آزادی بیشتری برخوردار گردند.

ماجرا و چگونگی قتل، طبق اعتراف همسر مقتول به این شرح است: روزی برای مراجعه به دندان پزشکی از محل سکونت مان در فولاد شهر به مقصد اصفهان سوار اتومبیلی شدم، هنگام پیاده شدن دستم به دست راننده خورد و جرقه‌ای شهوت‌انگیز در دلم شعله کشید. قرار شد راننده صبر کند و مرا برگرداند. هنگام بازگشت جو خلوت به همراه سابقه قبلی، ما را گرفتار صحبت‌های نامشروع کرد. سرانجام قرار شد روزها بعد از ساعاتی که شوهرم به محل کار خود می‌رود او به منزل ما بیاید. این قرار عملی شد و به مدت دو سال با هم رابطه داشتیم.

از آنجا که شوهرم را مزاحم می‌دیدم، بارها پیشنهاد کشتن او را به رفیقم دادم تا بعد از کشتن او با هم به طور رسمی ازدواج کنیم. چندبار نیز نقشه‌ی قتل او را کشیدیم؛ ولی هیچ‌کدام عملی نشد تا این‌که برای آخرین بار که شبانه عازم تهران بودیم، او را تحریک کردم که دنبال ما حرکت کند و یکی دو نفر را با خود بیاورد، وقتی دستمال‌های کاغذی مچاله شده را از شیشه ماشین بیرون انداختم آماده باشند، در آن هنگام من نیز ماشین را به بهانه دل درد متوقف می‌کنم، آنها نیز پیاده شوند و شوهرم را بکشند.

طبق برنامه، قاتل با کمی فاصله دنبال ما حرکت کرد، من نیز به بهانه دل درد ماشین را متوقف کردم، بلافاصله ماشین قاتل پشت سر ما ایستاد و با دو نفر از همدستانش با چهره نقاب زده پیاده شدند.

یکی از آنها نیز برای رد گم کردن و عادی جلوه دادن امر، فلاکس آب را روی کاپوت ماشین گذاشت و کنار آن ایستاد و ماجرا را تماشا می‌کرد. قاتل نیز با یکی از همدستانش وارد ماشین شدند و شوهرم را به عقب ماشین کشیدند.

وقتی از هیچ‌یک از راه‌ها به نتیجه دلخواه خود نمی‌رسند، آخر الامر تصمیم می‌گیرند به زندگی او خاتمه دهند؛ از این رو در یک میهمانی که از جوان برق کار در منزل مقتول به عمل می‌آید، همسر مقتول در پارچ نوشابه ده قرص والیوم حل می‌کند و به خورد او می‌دهد. وقتی شوهرش بر اثر خوردن نوشابه آلوده بی هوش می‌شود، او را داخل آشپزخانه می‌برند و مقداری بنزین روی بدنش می‌ریزند و از منزل خارج می‌شوند و با زدن کلیدی که از قبل آماده کرده بودند، جریان برق را به آشپزخانه وصل می‌کنند و منتظر آتش‌سوزی می‌شوند، غافل از این‌که سیم برق بر اثر اصابت وسایل بازی بچه‌همسایه، قطع شده است. آنان برای اینکه جریان فاش نشود به سرعت آن بینوا را خفه می‌کنند و با عجله او را در صندوق عقب ماشین جاسازی می‌کنند و شبانه جسد او را زیر یکی از پله‌ها می‌اندازند.^۱

آری! یک لبخند و شوخی، انسان را به این مرحله از پستی و رذالت می‌کشاند و دین و دنیای انسان را بر باد فنا می‌دهد.

از خلوت تا بزرگ‌ترین جنایت

در سال ۱۳۶۴ در جاده اصفهان و در نیمه شب، مردی را در اتومبیلش و کنار همسرش سر بردند. بعد از هفت ماه پیگیری مشخص شد که این قتل فجیع به توطئه همسر مقتول و توسط دوست نامشروع او انجام شده است. مقتول مردی زیبا و رشید و تکنسین کارخانه ذوب آهن و پسر عمه‌ی همسر خود بود و قاتل نیز مردی سیاه‌چهره و بد اندام از شهر و استانی دیگر.

۱. خیمه عفاف، ص ۱۱۱.

شوهرم خیال می‌کرد آنها برای بردن ماشین و اموال به این کار اقدام کرده‌اند؛ از این رو به آنها گفتم: سویچ ماشین را می‌دهم؛ ولی با من و همسرم کاری نداشته باشید.

آن‌گاه همدست قاتل دست‌های شوهرم را به عقب کشید و قاتل با کارد سر او را از بدن جدا کرد.

بعد از رفتن آنها پیاده شدم و اتوبوسی را متوقف کردم و با داد و فریاد گفتم که سه نفر نقاب زده آمدند و شوهرم را کشتند. بعد هم جریان به پاسگاه و تحقیقات کشید و حقیقت ماجرا فاش شد.

دادگاه نیز قاتل را که مردی مجرد بود به عنوان عمل منافی عفت صد ضربه شلاق زد و سپس او را به عنوان قصاص اعدام کرد و همسر مقتول نیز به حد شرعی سنگسار محکوم گردید و حکم صادره در مورد آنها اجرا شد. شخصی هم که دست‌های قاتل را گرفته بود به حبس ابد و دیگری که نگهبانی می‌داد، به کور شدن چشم محکوم شد.^۱

اینجا است که معنای کلام رسول خدا ﷺ روشن می‌شود. ایشان فرمودند: «اگر سوزنی را با شدت و ضربه به سر یکی از شما فرو کنند، بهتر از آن است که زن نامحرم را لمس کند»^۲

از لمس پا تا لمس مرگ

در سال ۱۳۶۸ در شهر قم، جریان مردی که سر او را بریده و اندامش را با ضربات چاقو شکافته بودند، به دادگستری کشیده شد. بعد از پیگیری و بازپرسی مشخص شد که قاتل از بستگان مقتول است و جریان قتل به

توطئه همسر مقتول - که با قاتل رابطه نامشروع داشته - عملی شده است.

کیفیت قتل و نقطه آغاز این جنایت به اعتراف همسر مقتول به این شکل بوده است که در یکی از شب‌های زمستان، قاتل به منزل پسر عمه خود می‌رود. صاحب منزل مهمان را به زیر کرسی راهنمایی می‌کند. در اثنای شب نشینی پای مهمان به پای زن صاحب‌خانه برخورد می‌کند و از همان جا جرقه شهوت در دل هر دو شعله می‌کشد و رفته رفته به عشق مفرط و برقراری رابطه نامشروع منجر می‌گردد و چون زن، شوهر خود را مزاحم آزادی‌اش می‌بیند، دوستش را تحریک می‌کند که او را به قتل برساند تا این که روزی دوست خود را در کمد منزل جای می‌دهد، کاردی را در کمد می‌گذارد و هنگامی که شوهرش می‌آید، زود غذای او را آماده می‌کند و او را می‌خواند تا قاتل با کمک وی، شوهرش را به قتل برساند.

برنامه مقدماتی انجام می‌شود؛ ولی ناگهان شوهر زن صدای سرفه‌ای از داخل کمد اتاق پذیرایی به گوشش می‌رسد. درب کمد را که باز می‌کند ناگهان با پسر دایی خود روبه‌رو می‌شود و او نیز با ضربات چاقو شوهر زن را از پای در می‌آورد و بعد هم سر او را جدا می‌کند و با کمک همسر مقتول اندام خود را می‌شوید و با هم از منزل خارج می‌شوند.

صبح روز بعد زن مقتول وارد منزل می‌شود و فریاد و جنجال به پا می‌کند که دیشب در منزل نبودم، دزد وارد خانه‌ام شده و مقداری از اموالمان را برده و شوهرم را نیز کشته است.

۱. همان، ص ۱۳۳. ۲. کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲۸.